

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Martyrs

جانبازان

ارسالی: ساما (ادامه دهندگان)

۰۸ جون ۲۰۱۲



سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما - ادامه دهندگان)

## حماسه یک شهید سامانی



۲۵ سنبله ۱۳۵۸ ش و روز جمعه بود. جمعه خونینی که شاهد نبرد شکوهمند و مرگ قهرمانانه یکی از بهترین انسانهای این دیار بود. در آن روز جوان تنومندی با لبخند امید آفرین همیشگی اش سوار با بایسکل کهنه ای از دهمزنگ به سوی مرکز شهر می رفت. سگ های هار "خلقی" به خاطر پاسبانی از ولینعمت جدید شان (امین) که در آن روز بر سر تصاحب قلاده روسی با پیره سگ کودن (تره کی) در افتاده بود، در گوشه و کنار شهر به حالت آماده باش به سر می بردند. یکی از مزدوران جوان بایسکل سوار را شناخت و به او امر توقف داد. آن فرزند مبارز مردم که می دانست با دشمن تنها با زبان گلوله می

توان حرف زد سلاحش را بیرون کشید، با فیر چند گلوله به زندگی ننگین دو خائن مزدور خاتمه داد

و همچنان راهش را در پیش گرفت. مزدوران دیگر به تعقیب او پرداختند و بعد از آنکه لاشه های کثیف سه تن دیگر از آنان نیز به خاک افتاد، چریک قهرمان زیر رگبار گلوله های جلادان در قسمت پل آرتل به شهادت رسید و همان روز آوازه حماسه اش در سرتاسر شهر پیچید .

این شهید فدائی مردم "عزیز طغیان" بود ، مردی که همه عمرش را با شرافت زیست و هستی اش را پاکبازانه نثار آرمان والایش کرد . "عزیز طغیان" در سال ۱۳۲۸ ش در ولسوالی "لعل و سرچنگل" ولایت غور به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی اش را در زادگاهش به پایان رسانیده و به منظور ادامه تحصیل به کابل آمد .

او در دوران مکتب نیز نمونه پشتکار و تلاش در آموزش و سرآمد همقطارانش بود. در کابل با محافل مبارز روشنفکری آشنا شد و در راه مبارزه به خاطر آزادی مردم گام نهاد .

سالهای تحصیل در پوهنتون برای عزیز سالهای آشنائی با علوم و آموزش در مکتب مبارزه بود، او که در رشته تاریخ و جغرافیه تحصیل می کرد، با اشتیاق فراوان و قابل تحسین به تحقیق در تاریخ واقعی مبارزات مردم پرداخت و همزمان با آن به مبارزات انقلابی اش ادامه داد .

عزیز بعد از فراغت از فاکولته ادبیات در سال ۱۳۵۴ ش به تدریس در لیسه "شاه دوشمشیره" پرداخت و صنف و مکتب را نیز به سنگر مبارزه علیه بیداد و ستم زورگویان و زورمندان تبدیل کرد .

"عزیز طغیان" در آخر سال ۱۳۵۷ ش در اثر پیگرد پولیس رژیم مزدور زندگی مخفی اختیار کرده و به مثابه یک انقلابی حرفه ئی به تلاش خستگی ناپذیر خود در راه آزادی میهن و رهائی مردم از چنگال اهریمنان ادامه داد .

او در راه ایجاد سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) در کنار سایر همزمانش سعی فراوان کرد و بعد از ایجاد "ساما" نیز یکی از فعالترین کادر های آن به شمار می رفت .

رساله "علیه دستورگرایی" او در زمینه سبک کار تشکیلاتی راهنمای خوبی برای همه فعالان صفوف سازمان بود .

"عزیز طغیان" تجسم زنده ای از روحیه خدمت به مردم ، عشق به آزادی و پیکار خستگی ناپذیر در راه آزادی میهن بود. چهره بشاش و روحیه مقاوم او در دشوارترین لحظات مبارزه ، همزمانش را الهام می بخشید و ایمان به پیروزی نهائی بر دشمنان مردم را در آنها تقویت می کرد. او با آن که از طبقات نسبتاً مرفه جامعه برخاسته بود، به دلیل تربیت در مکتب اندیشه های انسانی، شرکت فعالانه در پراتیک مبارزه انقلابی و آگاهی از قانونمندی عینی تکامل جوامع، همیشه به محرومترین اقشار و طبقات جامعه می اندیشید و در زندگی روزمره نیز نمونه سادگی و بی پیرایه گی بود .

تازه سه ماه از برآورده شدن یکی از آرزوهای انقلابی و شرافت مندانه عزیز "طغیان" یعنی ایجاد سازمان ما می گذشت که دست خونین جلادان مردم این گل سرخ بوستان پیکار مردم را پرپر کرد.

یادش گرامی و سیمای تابناکش الهام بخش همه مبارزان راه آزادی است .

زنده باد دلاوری فرزندان راستین مردم !

---

برگرفته از : از شماره چهارم " ندای آزادی" سال اول، دلو ۱۳۵۹ ش فیروزی ۱۹۸۱ م